

دیدگاه: یادداشت ادبی

زبان زنانه

فرشته علیجانی
مشهد

بیزید. از آدم‌های وامانده و سست و عاصی در داستان‌های صبحی خبری نیست. آدم‌هایی که از خود و از جهان شکست می‌خورند و زار و سرخورده و پریشان از زمین و زمان می‌نالدند، برای اینکه نتوانند و حریف خود نشوند خود را به ضعف و زبونی می‌زنند و در نهایت مغلوب می‌شوند.

نویسنده برای تبیین جهان‌بینی شخصی و فلسفی خود از فیزیک بهره جسته و در تقد شخصیت‌هایی که در تقابل با جهان‌بینی شخصی و فلسفی حاکم بر کتاب قرار می‌گیرند کمی ناروادار است. سنت، مدرنیته و درماندگی میان سنت و مدرنیسم هر کدام نماینده‌ای در نیوتون دارند اما تمرکز روی شخصیت‌هایی است که آگاهانه دست به انتخاب زده‌اند و نه کاملاً برکنار از سنت هستند و نه کامل در دامان مدرنیسم افتاده‌اند. کل داستان حول محور یک نظام فکری بخصوص و جهان‌بینی شخصی شکل گرفته و تا حدودی یک جنبه به موضوع نگریده و ره و رسم‌های دیگر را برای مدیریت چنین موقعیت‌هایی مردود دانسته. گرچه صدای نویسنده در جامعه و در ادبیات امروز گم است اما در کتاب فریادی بلند است در سوگ چیزهایی که آسان به دست نیامده‌اند اما همراه با زواند سنت آسان از دست می‌روند. «نیوتن زیر درخت گردو» مرثیه‌ی زیبایی است برای مفهوم گم‌گشته‌ی اخلاق در جهان امروز.

نیوتن فریاد بلندی است در ستایش مفهوم گم‌شده و از دست رفته‌ی پرهیز. که با بهره‌گیری از قوانین جاودانی نیوتن که یک پیکره‌ی اصلی طرح را تشکیل می‌دهد، به مفاهیمی چون مرگ و عشق و رنج می‌پردازد. به پرهیز، و گریز از چیزهای عظیم خطرآفرین.

البته که کتاب کوششی است برای یافتن پاسخی به سوال‌های سخت و نفسگیر در باب مفاهیم لغزان و نسبی. صبحی با قاطعیت حکمی صادر نمی‌کند اما در این کتاب مرگ‌اندیشانه تمام مسیرها و احتمالاتی که روایت می‌کند به نوعی در چارچوب جهان‌بینی شخصی نویسنده قرار می‌گیرند. در پایان داستان واکنشی را از یکی از شخصیت‌ها می‌بینیم که به راحتی باورپذیر نیست، شخصیتی که در طول داستان در سایه و از چشم پنهان بوده ناگهان بسیار سفید و فرشته‌گونه و بدون لکه‌های خاکستری ظاهر می‌شود و البته که این حد از مهربانی تنه به بی‌رحمی می‌زند.

هرچند پیشی و موشی و رفیق بهتر از جان از ابتدا حضور دارند اما مخاطب داستان را از جانب دختر جوان و عاشق و خوددار دنبال می‌کند. ناگهان پرده می‌افتد و داستان می‌چرخد و مخاطب را در داوری و بابت احساسی که در طول قصه داشته معذب می‌کند. ضربه‌ی آخر کاری و هولناک است، حتی هولناک‌تر از شعرهای دفتر صبا: «او که قصدش بردن نعش من از اینجا نبود / پس چرا باحوصله آمد شکارم کرد و رفت؟» اگر جان خواندن یک عاشقانه‌ی تلخ نامتعارف را دارید، اگر از شخصیت‌های بلاکلیف و لنگ در هوای داستان‌های مدرن به تنگ آمده‌اید، اگر خواندن یک قصه‌ی متفاوت از جغدهای شاخداری که با جغدیتشان سرشاخ می‌شوند محظوظتان می‌کند و ارزش قصه‌های نگفته و ماجراهای رخ‌نداده را می‌داند آن وقت «نیوتن...» را بخوانید و در افسون و زیبایی غرق شوید. شما دعوتید به میهمانی سایه‌ها و ارواح، به ضیافت عشق در دل غارهای تاریک و قفس‌های متحرک. به تماشای نوعی بدیع (در عین حال قدیم) از زیبایی که دیگر به راحتی نمی‌توان یافت.

[ادبیات جهان]

به دانش بزرگ و به همت بلند

به بهانه تجدید چاپ کتاب «بیست و پنج جستار از محمدتقی دانش‌پژوه»
نگاهی به فعالیت‌ها و خدمات این فهرست‌نگار فیلسوف داشته‌ایم

پیمان طالبی
شاعر و روزنامه‌نگار

بود، اما می‌گوید: پزشکی همسر قانونی من است، ولی ادبیات معشوقه من است. شما هم همین جورید. در واقع تمام کارهای محققانه‌ای که می‌کنید یک طرف، ولی آن چیزی که در درون شما می‌جوشد، همان عشق به خردورزی است که در فلسفه و منطق منعکس شده.» دکتر فانی همچنین در یادداشتی این نکته را تصریح کرده بود که بی‌تردید در سراسر جهان هیچ‌کس شایسته‌تر از دانش‌پژوه نبود که تاریخ مفصل منطق را بنویسد.

◀ فهرست‌نگار جهانی

عنوان «فهرست‌نگار جهانی» را نخستین بار ایرج افشار به دانش‌پژوه نسبت داده است. افشار برآورد کرده بود که دانش‌پژوه قریب به صد هزار نسخه خطی و سند را در کتابخانه‌های ایران و جهان دیده و فهرست کرده است. دکتر میلاد عظیمی از اساتید فعلی دانشگاه تهران و از شاگردان افشار نقل می‌کند که زمانی افشار با دانش‌پژوه و اللهیار صالح به سفر کاشان رفته بودند تا چند نسخه خطی ببینند. در کویر میان آران و کاشان به شب افتادند و طوفان شن شد. در میانه طوفان، هر سه از ماشین پیاده شدند و افشار مقداری شاخه و بوته کند تا زیر لاستیک بگذارند که ماشین راه بیفتد. دانش‌پژوه در آن مخصصه به افشار گفت: «اگر توانیم به راهنمان ادامه بدهیم سرنوشت آن نسخه‌ها و فهرست کردنشان چه می‌شود؟» افشار پرخاش می‌کند که: «مرد حسابی! داریم زیر شن دفن می‌شوی تو به فکر نسخه هستی؟» صالح به او گفت: «شما به این فکر باشید که اگر ماشین راه نیفتد امشب در این کویر چه باید بکنیم؟»

فعالیت عمده دانش‌پژوه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی بود که از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، که هسته اصلی آن را کتاب‌های اهدایی محمد مشکوه تشکیل می‌داد، آغاز شد. نسخه‌های خطی کتابخانه‌های دانش‌سکده حقوق، دانشکده



ادبیات دانشگاه تهران، مجلس شورای ملی (سابق)، مجلس سنا (سابق)، مدرسه سپهسالار سابق (با همکاری علی‌تقی منزوی)، ملک (با همکاری احمد منزوی و حجتی)، آستانه مقدسه قم، کتابخانه مجتبی مینوی، و موارد دیگر به کوشش او شناسایی و فهرست گردیدند. دانش‌پژوه در پیچه‌ای از کتاب‌های خطی و گنجینه‌های ایرانی به روی دنیا گشود و نشان داد که ذخایر عظیمی در ایران وجود دارد، و این یکی از بزرگ‌ترین خدماتی بود که او به ایران و دنیای اسلام و عالم کتابداری کرد.

◀ درباره کتاب حاضر

کتاب «بیست و پنج جستار از محمدتقی دانش‌پژوه» مجموعه نوشته‌های پراکنده دانش‌پژوه است. جستارهای این مجموعه در ۵ بخش فراهم آمده و شامل پژوهش‌های تاریخی، معرفی چند کتاب و نسخه خطی و نیز دربردارنده متن چند رساله، و قفنامه و سند کهن از سده‌های ۹ تا ۱۲ هجری است. این جستارها که حاصل ژرف‌نگری مؤلف در منابع خطی گوناگون است، اطلاعات ارزشمندی را در مورد رجال سیاسی و علمی و اوضاع اجتماعی برخی شهرهای بزرگ ایران مانند اصفهان به ویژه در عصر صفوی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. راستی به نیست بدانید که انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار، از ۲۹ خرداد تا ۹ تیر، این کتاب را با ۳۰٪ تخفیف در دفتر مرکزی‌اش عرضه می‌کند و علاقه‌مندان می‌توانند در این بازه زمانی کتاب را ارزان‌تر از قیمت پشت جلد تهیه نمایند.

◀ این انسان شگفت

نوش‌آفرین انصاری استاد دانشگاه و پژوهشگر علوم کتابداری دوره‌ای را با استاد دانش‌پژوه همساکار بود و در معیت دانش‌پژوه روی نسخ خطی کار می‌کرد. او تعدادی از این خاطرات را در شیبی که موسسه بخارا در گرامیداشت دانش‌پژوه در ۲۰ آذر ۱۳۹۲ برگزار کرد، بیان نموده است. از جمله اینکه: «روزی سرکار خانم (همسر دانش‌پژوه) تلفن زدند و از ما خواستند به خانه‌شان برویم. گفتم چی شده؟ گفتند حال دانش خوب نیست. گفتند به یک زبان صحبت می‌کند که من نمی‌فهمم. من هم فوراً راه افتادم و به آنجا رفتم. استاد در بستر بودند و با کلامی نامشخص صحبت می‌کردند. بیشتر که گوش کردم دیدم به زبان فرانسه از این رشد و تفسیر کلام ماوراء الطبیعه صحبت می‌کنند. به خانم گفتم نگران نباشید. این ورق‌های زبانی به هم ریخته است و طبعاً همه چیز درست می‌شود و خلاصه برای من تجربه خیلی جالبی بود.»

[ادبیات جهان]

داستان دخترپچه‌ای به نام وِرا

«آماده‌باش» نوشته‌ی وِرا برازگُل از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد

و همچنین جستجوی یک مکان برای یافتن تعلق خاطر، آن هم پس از مهاجرتش همراه با خانواده از روسیه به ایالات متحده را روایت می‌کند. روایتی از سازگار شدن با یک محیط جدید آن هم با زبانی کودکانه. با این توضیحات می‌توان انتظار داشت که یک کتاب تصویری که احتمالاً الهام‌گرفته از زندگی طرح در دوران کودکی‌اش است، منتشر شده باشد و نویسنده نیز در معرفی کتاب خود آن را به نوعی تایید می‌کند. «داستان این کتاب هم واقعی است و هم ساختگی. حتی اگر آدم همه چیز را از یک دوره یک ماهه مربوط به بیست سال پیش به یاد داشته باشد، این احتمال وجود دارد که آن اتفاقات دستمایه کافی برای داستانی عالی شوند. در طول اردو، روزهای زیادی می‌گذرد بدون این که اتفاق جالبی بیفتد. بعد یک عالم اتفاق جالب می‌افتد، ولی برای دیگران، حق شخصیت‌ها کف دستشان گذاشته نمی‌شد اگر همه چیز در این کتاب بر اساس واقعیت بود و کتاب بدی از آب درمی‌آمد.»

از این نویسنده اثر دیگری با عنوان «دست از سرم بردارید» در ایران به فارسی برگردانده شده و به انتشار رسیده است.

دوستان وِرا در کتاب «آماده‌باش» در خانه‌هایی شیک زندگی می‌کنند و والدینشان می‌توانند آنان را به بهترین اردوگاه‌های تابستانی بفرستند، اما مادر وِرا قادر به صرف چنین خرج و مخارج لوکسی نیست؛ با این حال یک کمپ تابستانی در محدوده بودجه آنان وجود دارد و وِرا راهی آن اردو می‌شود. برازگُل در قصه خود، تلاش‌های وِرا برای یافتن دوستان جدید



چاپ نخست کتاب «آماده‌باش» نوشته وِرا برازگُل با ترجمه نگار عباس‌پور از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد. وِرا برازگُل در دوم آگوست ۱۹۸۴ در روسیه متولد شد و هنگامی که پنج ساله بود به همراه خانواده به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد. او در کالج شریدن کانادا از رشته انیمیشن کلاسیک فارغ‌التحصیل شده است و هم‌اکنون در ایالت پورتلند آمریکا ساکن بوده و با کمپانی گرافیکی Laika Entertainment در زمینه انیمیشن و بویانمایی همکاری دارد. اولین داستان تصویری وِرا برازگُل با نام «شیخ آنیا» در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و کتاب کمیک دیگری او با نام «مرا رها کن» در سال ۲۰۱۷ برنده نشان کالدکوت شد که از سال ۱۹۳۷ هر ساله به برجسته‌ترین کتاب تصویری آمریکا تعلق می‌گیرد. او همچنین جوایز دیگری از جمله آیزن و هاروی را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد. کتاب کمیک «آماده‌باش» اما در سال ۲۰۱۸ توسط انتشارات فرست، سِکِنِد (First Second) منتشر شده است و داستان دخترپچه‌ای به نام وِرا را روایت می‌کند که از قضا هم نام خود طرح‌نویسنده کتاب است و اهل روسیه.